

فصلنامه علمی پژوهش در ایمنی، سلامت و محیط زیست

مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص در آلودگی‌های ناشی از مدیریت پسماند

امین امیریان فارسانی^{۱*}، مهدی رحمانی^۲

۱- نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران

۲- استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش بررسی ابعاد مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص در آلودگی‌های ناشی از پسماند و تحلیل نقش نظام حقوقی در مقابله با آثار زیان‌بار دفع غیر اصولی پسماندهاست. با توجه به اینکه محیط زیست بستر اساسی بقا و رشد انسان محسوب می‌شود، افزایش تولید پسماند و رهاسازی آن در محیط‌های دریایی و خشکی طی فرایند صنعتی شدن کشورها، پیامدهای گسترده‌ای نظیر تخریب اکوسیستم‌ها، بروز بیماری‌ها و تهدید سلامت عمومی را به دنبال داشته است. پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای، بررسی اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و تحلیل رویه‌های حقوقی مرتبط با مدیریت پسماندها انجام شده است. در این روش، مفاهیم، مقررات و ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری با بهره‌گیری از منابع معتبر حقوق محیط زیست تحلیل و دسته‌بندی شده‌اند. پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی در دو سطح ملی و بین‌المللی، با پیش‌بینی هم‌زمان سازوکارهای مدنی و کیفری، توانسته است گام‌های مؤثری در کنترل و کاهش آثار سوء ناشی از پسماندها بردارد. به‌گونه‌ای که مسئولیت مدنی، با تأکید بر جبران خسارت و اعاده وضع پیشین محیط‌زیست، نقش ترمیمی دارد؛ و در مقابل، مسئولیت کیفری از طریق اعمال مجازات‌هایی همچون حبس، جزای نقدی و تعطیلی واحدهای آلاینده، کارکرد بازدارندگی را ایفا می‌کند. در نهایت، نقش رسانه‌ها، نهادهای نظارتی و همکاری‌های بین‌المللی به‌عنوان عوامل مکمل در پیشگیری، فرهنگ‌سازی و مدیریت کارآمد پسماند، زمینه‌ساز حفاظت از محیط‌زیست برای نسل‌های آینده معرفی شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از اهمیت نقش رسانه‌ها، نهادهای نظارتی و همکاری‌های بین‌المللی در پیشگیری، فرهنگ‌سازی و مدیریت کارآمد پسماندهاست. این عوامل در کنار یکدیگر می‌توانند زمینه حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده را فراهم سازند.

مشخصات مقاله

تاریخچه مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۳

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۷

انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۷/۲۱

*نویسنده مسئول:

amirian_farsani@gonabad.ac.ir

کلید واژه‌ها:

آلودگی محیط زیست،

مسئولیت مدنی،

مسئولیت کیفری،

مدیریت پسماند،

خسارت زیست‌محیطی،

اسناد بین‌المللی

۱- مقدمه

پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری برای متخلفان فراهم کرده است.

از منظر حقوقی، مطالعه پسماند و آلودگی‌های ناشی از آن در دو بعد اصلی قابل بررسی است: نخست، مسئولیت مدنی که ناظر بر جبران خسارات وارد شده به افراد یا محیط زیست است؛ دوم، مسئولیت کیفری که بر مجازات مرتکبان رفتارهای زیان‌بار و پیشگیری از تکرار آن‌ها تمرکز دارد. این دو بعد مکمل یکدیگرند و تحقق هم‌زمان آن‌ها، زمینه‌ساز تحقق عدالت زیست‌محیطی و حفاظت مؤثر از منابع طبیعی است. بنابراین، پژوهش حاضر با درک ضرورت‌های زیست‌محیطی و حقوقی، به بررسی دقیق مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی در قبال آلودگی‌های ناشی از پسماندها می‌پردازد. در این راستا، ضمن تحلیل مبانی نظری و قوانین ملی و بین‌المللی، به چالش‌های اجرایی موجود و راهکارهای بهبود نظام مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در ایران توجه خواهد شد. هدف اصلی تحقیق، شناخت جایگاه حقوقی آلودگی ناشی از پسماند، بررسی ضمانت‌اجراهای مرتبط و تبیین نقش این نظام در پیشگیری از تخریب محیط زیست و صیانت از حقوق نسل‌های آینده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مفهوم پسماند

ارائه تعریفی جامع و مانع از پسماند به علت تنوع ماهیت و درجه خطرناکی این مواد امر دشواری است. با وجود این دشواری ارائه تعریف برای شناخت ماهیت پسماند ضروری است. به همین دلیل و به ویژه به دلیل نبودن ورود این موضوع در قوانین کشورها، در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین کشورهای مختلف سعی در ارائه تعریفی در این زمینه شده است. به موجب ماده ۲-۱ کنوانسیون بازل، زباله‌ها، اجسام یا اشیایی هستند که طبق مقرارت قانون ملی دفع می‌شوند یا باید دفع شوند. در این ماده هر چند تدوین‌کنندگان کنوانسیون در مقام ارائه تعریفی از پسماند بوده‌اند اما در واقع تعریفی ارائه نمی‌دهند. البته از این تعریف مجمل دو نکته مهم قابل استنباط است. اول اینکه، پسماند شی‌ای است که معمولاً دفع می‌شوند یا باید دفع شوند و دوم اینکه، تشخیص و تعیین قابل دفع بودن اشیاء و در نتیجه پسماند محسوب شدن آنها را قانون

محیط زیست به عنوان بستر بنیادین حیات، سرچشمه تمامی منابع حیاتی و عامل تعادل در نظام طبیعی زمین است. سلامت و پایداری آن ارتباط مستقیم با کیفیت زندگی انسان و سایر موجودات زنده دارد. از این رو، بهره‌مندی از محیط‌زیستی سالم و عاری از آلودگی، نه تنها یک حق طبیعی بلکه طبق اصول حقوقی داخلی و اسناد بین‌المللی، حق مسلم بشر به شمار می‌رود. اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به روشنی اعلام می‌کند که «حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی است». با وجود چنین تأکیداتی، روند شتابان توسعه صنعتی، افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی در دهه‌های اخیر موجب تولید گسترده پسماندهای مختلف — از جمله پسماندهای صنعتی، شهری، بیمارستانی و کشاورزی — گردیده است. انباشت این مواد و دفع غیر اصولی آن‌ها نه تنها باعث آلودگی خاک، هوا و آب می‌شود بلکه سلامت انسان‌ها و موجودات زنده را نیز تهدید می‌کند. این آلودگی‌ها اغلب به شکل تدریجی بروز کرده و آثار آن در بلندمدت، همچون تخریب زیستگاه‌ها، نابودی تنوع زیستی و از بین رفتن تعادل اکولوژیک، خود را نشان می‌دهد.

در سطح بین‌المللی، از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد، مسئله آلودگی‌های ناشی از پسماند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدها علیه محیط زیست شناخته شد. تصویب اسنادی چون اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) و کنوانسیون بازل (۱۹۸۹) درباره کنترل انتقال برون‌مرزی پسماندهای خطرناک، نقطه عطفی در گسترش همکاری‌های بین‌المللی برای مدیریت پسماندها محسوب می‌شود. کشورها نیز با آگاهی از پیامدهای جبران‌ناپذیر پسماند بر محیط، به تدریج نسبت به تصویب قوانین داخلی برای تنظیم نحوه تولید، جمع‌آوری، حمل، بازیافت و دفع پسماندها اقدام کردند. در ایران نیز برای نخستین بار با تصویب قانون مدیریت پسماندها در سال ۱۳۸۳ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، چارچوبی قانونی جهت ساماندهی این مسئله تدارک دیده شد. این قانون علاوه بر تعیین تکالیف دستگاه‌های مختلف، سازوکارهایی برای نظارت بر نحوه جمع‌آوری، حمل و دفع پسماند و نیز

تعیین می‌کند. در حقوق فرانسه به «باقیمانده فرآیند تولید، یا باقیمانده هر ماده اولیه به کار رفته در فرآیند تولید و یا ماده اولیه تغییر شکل یافته یا استفاده شده و یا هر گونه مال منقول رها شده یا اینکه متصرف در نظر دارد آن را رها کند پسماند اطلاق شده است.» [۱].

در کنار تعریف پسماند در قانون مدیریت پسماندها، قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز در ماده ۱۹۳ خود به تعریف پسماندهای خطرناک پرداخته است. بر اساس این ماده، «محصولات و مشتقات استفاده نشده و غیرقابل استفاده، پسماندها و زباله‌های ناشی از یک فعالیت صنعتی، تجاری، کشاورزی، علمی یا هر گونه فعالیت که بتواند خطری برای بهداشت و محیط زیست خواه توسط خودشان یا در صورت تماس با سایر محصولات در اثر فعل و انفعالات شیمیایی یا خاصیت سمی‌شان داشته باشد، پسماندهای خطرناک تلقی می‌شود.» این تعریف در مقایسه با تعریف قانون مدیریت پسماندها (که بر «دخاله انسان» و «نظیر تولیدکننده» تأکید دارد) رویکردی عینی‌تر و فنی‌تر دارد و صرفاً بر توانایی ایجاد خطر (صرف نظر از قصد تولیدکننده) تمرکز می‌کند. از منظر حقوق کیفری، این ماده می‌تواند مبنای جرم‌انگاری رفتارهای مرتبط با پسماندهای خطرناک قرار گیرد، زیرا دیگر نیازی به اثبات «زائد تلقی کردن توسط تولیدکننده» نیست؛ بلکه صرف وجود ویژگی‌های خطرناک (سمیت، واکنش‌پذیری، اشتعال‌زایی و ...) برای شمول مقررات کیفری کافی است. با این حال، در رویه قضایی ایران، به دلیل غلبه رویه‌های سنتی و عدم آشنایی کافی قضات با مفاهیم فنی محیط زیست، ارجاع به ماده ۱۹۳ قانون مجازات اسلامی در پرونده‌های آلودگی پسماند همچنان محدود است و بیشتر استنادها به قانون مدیریت پسماندها (ماده ۱۶) معطوف می‌شود. این شکاف میان ظرفیت قانونی و کاربردی عملی، ضرورت آموزش قضات تخصصی محیط زیست را دوچندان می‌کند.

از نظر قانون مدیریت پسماندها «پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیر مستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولید کننده زائد تلقی می‌شود.»

پسماند باید به طور مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت انسان‌ها تولید شود. چون به موجب قانون مدیریت

پسماندها دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان در تولید پسماند ضروری است لذا اگر مواد زایدی بدون دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان تولید شود، نمی‌توان آنها را پسماند دانست. در نتیجه هرگاه بدون دخالت انسان کوه یا معدنی ریزش نماید، نخاله‌ها و سنگ‌های حاصل از آن پسماند محسوب نمی‌شود تا نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه آنها در محیط واجد وصف کیفری باشد یا مسئولیتی در پی داشته باشد. همچنین فضولات پرندگان و حیوانات وحشی که در طبیعت و بدون دخالت انسان زندگی می‌کنند را به علت عدم نقش آفرینی انسان در تولید آن نمی‌توان پسماند محسوب نمود [۲].

تاکید قانونگذار بر قید «دخاله انسان» موجب می‌شود که حتی لاشه حیوانات غیر اهلی را که بدون دخالت مستقیم یا غیر مستقیم انسان به طور طبیعی تلف می‌شوند از شمول تعریف «پسماند» خارج سازیم. هر چند آثار زیانبار زیست محیطی آنها بیشتر از پسماندهای حاصل از دخالت انسان باشد؛ لذا اگر بدون دخالت انسان موجودات دریایی تلف شوند یا حتی مرغ‌های یک مرغداری یا گاوهای یک گاوداری تلف شوند نمی‌توان آنها را پسماند و در نتیجه مشمول مقررات این قانون دانست. مگر اینکه «فعالیت انسان» را به گونه‌ای موسع تفسیر نماییم و اینگونه توجیه نماییم که مرگ مرغ‌های مرغداری یا دامهای یک دامداری به طور غیر مستقیم از فعالیت انسان ناشی می‌شود زیرا یا انسان در نگهداری آنها کوتاهی ورزیده است و یا بیماری عارض شده غیر مستقیم از فعالیت انسان ناشی شده است [۳].

با توجه به تعریف پسماند در قانون مدیریت پسماندها شاید بتوان نتیجه گرفت که نخاله‌های ساختمانی حاصل از تخریب ساختمان در اثر بلایای طبیعی همچون زلزله و سیل علیرغم داشتن حجم، ارزش و آثار زیانبار فراوان از شمول تعریف پسماندها خارج است؛ چرا که انسان در پیدایش زلزله و سیل و در نتیجه این نخاله‌ها نقشی را ایفا نمی‌کند. هر چند ساختمان را انسان ساخته است؛ اما معیار ارائه شده در این تعریف این است که تولید پسماند در نتیجه عمل انسان باشد که در این فرض انسان در تولید پسماند نقشی ندارد.

وابسته کردن تعریف پسماند به نظر تولید کننده پسماند

گسترده ای را بر محیط زیست اعمال نموده و نیاز به بررسی دقیق میزان تولید، انتقال و کیفیت دفع بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۲- انواع پسماند

قانون مدیریت پسماند، پسماندها را به پنج نوع تقسیم کرده است: پسماند عادی، پزشکی یا بیمارستانی، ویژه، کشاورزی و صنعتی که ذیلاً هر یک از آنها به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

۲-۲-۱- پسماند عادی

«به کلیه پسماندهایی گفته می‌شود که به صورت معمول از فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در شهرها، روستاها و خارج از آنها تولید می‌شود از قبیل زباله‌های خانگی و نخاله‌های ساختمانی» ویژگی این نوع از پسماندها این است که از فعالیت‌های عادی و روزمره زندگی انسان‌ها حاصل شوند بدون آنکه انسان‌ها اقدام خاص و جدیدی همچون کشاورزی، فعالیت صنعتی یا پزشکی را برای به وجود آمدن آنها انجام دهند؛ اما «لجن‌های حاصل از تصفیه فاضلاب‌های شهری، تخلیه چاه‌های جذبی و فاضلاب خانگی» اگرچه از فعالیت‌های روزمره انسان‌ها تولید می‌شوند؛ اما تنها در صورتی که خشک و کم رطوبت باشند، در دسته پسماندهای عادی قرار خواهند گرفت. هرچند بیشتر پسماندهای عادی را زباله‌های خانگی تشکیل می‌دهد اما پسماندهای عادی به زباله‌های خانگی محدود نمی‌شود [۴].

در باب خسارت‌های ناشی از آلودگی پسماندها از آنجایی که این نوع از آلاینده‌ها ممکن است تأثیرهای سوئی بر جسم و سلامت افراد گذارد نمی‌توان در مضر بودن این نوع از آلاینده‌ها تردیدی به ذهن راه داد؛ برای نمونه مواد زائد خطرناک یا همان پسماندهای ویژه به علت کمیت، غلظت و یا کیفیت فیزیکی، شیمیایی و یا بیولوژیکی می‌توانند باعث افزایش میزان مرگ و میر و یا بیماری‌های بسیار جدی شوند و یا آن دسته از پسماندهای خانگی که جزو پسماندهای خشک محسوب شده و در طبیعت پایدارند و تا سالیان سال تجزیه نمی‌شوند. اثرهای مخربی بر حیات جانوران و گیاهان خواهند گذاشت. انواع ظروف پلاستیکی، بطری‌های پلاستیکی، روکش‌ها، کیسه‌ها، اسباب بازی‌ها، انواع ظروف

می‌تواند آثار زیانباری به دنبال داشته باشد زیرا با این قید مواد زایدی که علیرغم داشتن آثار مخرب زیست محیطی چون تولید کننده آنها را زاید نمی‌داند و می‌خواهد از آنها و بدون بازیافت بهره برد؛ از شمول تعریف پسماند خارج می‌شود و بر همین اساس است که به موجب بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون بازل «زباله‌ها اجسام یا اشیایی است که طبق مقررات قانون ملی دفع می‌شوند یا باید دفع شوند» به موجب کنوانسیون قانونگذار است که با ارائه معیارهایی اعلام می‌کند چه موادی پسماند محسوب می‌شوند و دفع یا بازیافت آنها ضروری است و اراده تولید کننده را بی‌تأثیر می‌داند. ضمن اینکه مفهوم زاید در تعریف ارائه شده از سوی قانون مدیریت پسماندها مبهم است. زیرا تولید کننده‌ای که مازاد بر نیاز شخصی محصولی را تولید می‌کند، مقدار بیش از نیاز او، مازاد محسوب می‌شود. در حالی که مسلماً قانونگذار نمی‌خواست چنین مصداقی را پسماند تلقی کند. به طور کلی واژه مواد زائد به آن دسته از موادی اطلاق می‌گردد که هیچ نوع ارزش و یا مورد استفاده‌ای ندارد. اگرچه این تعبیر از مواد زائد در همه موارد درست به نظر نمی‌رسد. مسلماً تمام مواد زائد باید به درستی تصفیه و دفع گردیده تا در نهایت شرایط و کیفیت محیط زیست به نحو مطلوب حفظ شده و بهبود یابد. ولی مواد زائد خطرناک به دلیل داشتن خصوصیتی چون سمیت، پایداری در محیط زیست، تحرک، اشتعال پذیری و سایر خصوصیات ویژه در مقایسه با سایر مواد زائد، مثل زباله‌های شهری، نیازمند قوانین و مقررات محکم‌تر و همچنین معیارهای کنترلی فنی‌تر و تخصصی‌تر هستند [۳].

یکی از تعاریف کاربردی در خصوص مواد زائد خطرناک، تعریفی است که توسط دو گروه ویژه متخصصین مدیریت صحیح زیست محیطی مواد زائد خطرناک در سال ۱۹۸۵ ارائه شده است. طبق این تعریف، مواد زائد خطرناک یعنی موادی به غیر از مواد پرتوزا که به دلیل میل ترکیبی شدید^۱، سمیت^۲، قابلیت انفجار^۳، خاصیت خوردگی^۴ و سایر مشخصات برای محیط زیست یا سلامتی انسان و سایر جانداران خطرناک بوده و می‌توانند خطر آفرین باشند. بدیهی است که این گونه مواد می‌توانند اثرات سوء

^۱ Reactivity

^۲ Toxicity

^۳ Explosively

^۴ Corrosively

وجود می‌آید.» اگرچه بیمارستان‌ها اصلی‌ترین منبع تولید پسماندهای پزشکی هستند اما نباید از دیگر منابع تولید کننده این گونه پسماندها همانند آزمایشگاههای تحقیقاتی، مطب پزشکان و دندان پزشکان، مراکز بیوتکنولوژی، خانه سالمندان و مراکز و منازل نگهداری افراد بیمار غافل بود. مسلماً در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و پزشکی علاوه بر پسماندهای عفونی و زیان‌آور، پسماندهای عادی هم تولید می‌شود که نه خطرناک‌اند و نه عفونی و زیان‌آور. همانند پسماندهای بوفه‌ها و رستورانهای بیمارستان‌ها؛ اما این دسته از پسماندها چون عفونی و زیان‌آور نیستند علیرغم این که از بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی تولید می‌شوند، پسماند پزشکی محسوب نمی‌شوند. اما به نظر می‌رسد اولاً با توجه به این که پسماندهای عادی تولید شده در مراکز درمانی و بیمارستانی فاقد ویژگی عفونی و زیان آور هستند، نمی‌توان آن‌ها را پسماند پزشکی عادی دانست بلکه آنها صرفاً «پسماند عادی» هستند و ثانیاً تمامی پسماندهای ناشی از مراقبت های پزشکی را نمی‌توان پسماند پزشکی ویژه دانست؛ زیرا اگر طبقه بندی مندرج در ماده ۹ ضوابط و روشهای مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی را بپذیریم نتیجه‌اش آن خواهد شد که اساساً چیزی به عنوان «پسماند پزشکی» بدون وصف عادی و ویژه وجود ندارد. در حالی که به موجب قانون مدیریت پسماندها، پسماندها به پنج دسته تقسیم می‌شوند که پسماند پزشکی یکی از انواع پنجگانه پسماندها است که اگر به دلیل بالا بودن یکی از خواص خطرناک از قبیل سمیت، بیماری‌زایی و ... مستلزم مدیریت خاص و ویژه باشد، پسماند پزشکی ویژه محسوب خواهد شد؛ لذا با توجه به قانون مدیریت پسماندها، پسماندهای تولید شده در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی را می‌توان به شرح زیر تقسیم کرد:

۱- پسماند عادی

۲- پسماند پزشکی که دارای سه ویژگی عفونی، زیان‌آور و ناشی از فعالیت‌های بیمارستانی است.

۳- پسماند پزشکی ویژه یا خطرناک که علاوه بر عفونی، زیان‌آور و ناشی از فعالیت‌های بیمارستانی بودن، دارای یکی از خواص خطرناکی از قبیل سمیت، بیماری‌زایی، قابلیت انفجار است [۶].

نکته دیگر در تعریف پسماند پزشکی آن است که این پسماندها صرفاً از فعالیت‌های پزشکی مراکز که به صورت حرفه‌ای فعالیت پزشکی می‌کنند تولید می‌شود و

یکبار مصرف و ... به طور متوسط ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال طول می‌کشد تا تجزیه شوند. ماندگاری این مواد در خاک باعث کاهش کیفیت خاک شده و حیات جانوران و گیاهان را به خطر می‌اندازد [۴].

۲-۲-۲- پسماند پزشکی یا بیمارستانی

به موجب بند ب ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها «به کلیه پسماندهای عفونی و زیان آور ناشی از بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاهی تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه پسماند پزشکی یا بیمارستانی گفته می‌شود.» به استثنای پسماندهای خطرناک بیمارستانی که به موجب قسمت اخیر ماده استنادی از شمول تعریف پسماندهای بیمارستانی خارج شده‌اند [۵].

بر این اساس برای اینکه پسماندی طبق قانون مدیریت پسماندها، پسماند پزشکی محسوب شود باید همزمان دارای سه ویژگی عفونی، زیان آور و ناشی شدن از فعالیت‌های پزشکی همانند مراکز بیمارستانی باشد. اما قضاوت در مورد اینکه چه نوع پسماندهایی، عفونی محسوب می‌شوند کار آسانی نیست. تا کنون تعاریف گوناگونی برای پسماندهای عفونی ارائه شده است که هر یک از آنها از شیوه نگهداری، جمع‌آوری و حمل و نقل و دفع این پسماندها، همچنین تعیین هزینه‌های مربوط به تکنولوژی جمع‌آوری و دفع و نهایتاً مخاطرات بهداشتی و زیست محیطی این پسماندها متأثر می‌باشند. سازمان محیط زیست آمریکا واژه پسماند عفونی را به این شرح تعریف کرده است: «پسماندهای عفونی شامل موادی هستند که می‌توانند باعث بروز بیماری‌های عفونی شوند. این مواد با چهار عامل بیماری‌زای زیر در ارتباط هستند:

۱- میزان عامل عفونت‌زا

۲- مقاومت عامل عفونت‌زا در محیط

۳- نحوه ورود به بدن میزبان

۴- مقاومت میزبان به عامل بیماری‌زا»

سازمان حفاظت محیط زیست آمریکا (EPA) پسماندهای بیمارستانی را به این شرح تعریف کرده است: «هر ماده زاید جامدی که در هنگام تشخیص بیماری، ایمن سازی بدن انسان و حیوانات و در تحقیقات مربوط به آنها یا در هنگام تهیه و تولید واکسن یا آزمایشات بیولوژیکی به

گفتار به بررسی این موضوع می‌پردازد: مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی و مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی.

۴-۲- اشخاص حقیقی

ماده ۱۴ قانون مدیریت پسماندها نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه را تابع مقررات کنوانسیون بازل و با نظارت مرجع ملی کنوانسیون مذکور نهاده است؛ بنابراین برای تعیین اینکه چه شخص یا اشخاصی مسئول زبان‌های حاصل از این اقدامات می‌باشند باید مقررات این کنوانسیون مورد بررسی قرار گیرد.

در نبود یک چهارچوب حقوقی برای جبران خسارت ناشی از حمل و نقل بین‌المللی زباله‌ها، وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، معمولاً به دلایل عملی انگشت‌ها به سمت حامل اشاره می‌روند؛ به طور مثال، اینکه محموله در اختیار اوست و ملک او و کارکنان او به احتمال زیاد در معرض صلاحیت ملی دولت خسارت دیده قرار خواهند گرفت.

اما ماهیت بین‌المللی حمل، به خصوص از طریق دریا، معمولاً به حاملان اجازه می‌دهد تا از پرداخت خسارت مصون بمانند. در کل، در نبود تقصیر، نه حامل و نه صاحب محموله مسئولیت پرداخت خسارت صدمه‌های ایجاد شده در طول حمل و نقل را نخواهد داشت. کنوانسیون‌های خاص برای حمل کالاهای خاصی که ویژگی‌های خاص و خطرناکی دارند، این موضع حقوقی کلی را تغییر داده‌اند و در صورت نبود مقصر، مسئولیت را متوجه حامل و یا افراد دیگری می‌کنند. در مقابل نظام مسئولیت پروتکل بازل بر حامل تمرکز نکرده بلکه به تولید کننده، صادر کننده، وارد کننده و دفع کننده زباله‌ها توجه دارد.

شناسایی شخص مسئول در فرآیند انتقال برون مرزی زباله‌های خطرناک کار ساده‌ای نیست، زیرا برای به حداقل رساندن هزینه‌ها و مسئولیت، زباله‌های خطرناک تولید شده از منابع مختلف زباله، در یک واحد عملیاتی منفرد جمع می‌شوند و تحت کنترل اشخاص ثالثی که متفاوت از تولید کنندگان پسماندها هستند، قرار می‌گیرند. از اینرو تعیین زباله‌های فرد یا شرکتی که می‌توان مسئولیت را به او نسبت داد، کار ساده‌ای نیست. به طور کلی، طی مذاکرات پروتکل بازل دو گزینه به

مثلاً اگر همین مواد در منزل یا مغازه‌ای تولید شود که بیمارستان یا ... محسوب نشود، پسماند پزشکی محسوب نمی‌شود؛ زیرا به موجب نص قانون این مواد باید توسط مراکز بیمارستانی تولید شود نه هر تولیدی و از طرفی از فعالیت‌های روزمره آدمی هم نیست.

مقید کردن تولید پسماندهای پزشکی صرفاً از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی موجب می‌شود که اگر این پسماندها از غیر مراکز درمانی و بیمارستانی تولید شوند، پسماند عادی محسوب شوند. حتی تصور اینکه جنین مرده به دنیا آمده در غیر از بیمارستان و مراکز درمانی یا باند رول‌های پانسمانی عفونی، استفاده شده در خارج از محیط‌های درمانی پسماند عادی

محسوب شود علیرغم دارا بودن ویژگی عفونی و زیانآور، غیر منطقی است. به ویژه آنکه در نتیجه عادی محسوب شدن اینگونه پسماندها، مدیریت اجرایی این پسماندها بر عهده شهرداری‌ها و دهرداری‌ها می‌افتد و موجب مخلوط شدن پسماندهای عادی با این دسته از پسماندهای عفونی و زیانآور می‌شود که می‌تواند آسیب‌های زیادی در پی داشته باشد.

۳-۲- مسئولیت مدنی اشخاص در زمینه آلودگی ناشی از پسماند

این مسأله که چه کسی به لحاظ حقوقی در مورد خسارت مسؤول می‌باشد اساس یک رژیم حقوقی موثر و کارآمد است. در بسیاری از کنوانسیون‌ها، فاعل (متصدی) یا مالک، نوعاً شخصی که بر یک فعالیت کنترل دارد، مسؤول خسارت ناشی از آن فعالیت است. در برخی موارد تعیین اینکه چه سازمان یا شخص خاصی موجب ایجاد خسارت شده است دشوار است. برای مثال اگر چندین تولید کننده فصولات در یک محل دفن زباله، مواد شیمیایی مشابهی را دفع کنند؛ تشخیص سهم خاصی از آلودگی که بتواند به یک مورد از آن تولید کننده‌ها نسبت داده شود تقریباً غیر ممکن است. در نتیجه، برخی از رژیم‌های مسئولیت همه طرفین درگیر در آلودگی را برای پاکسازی کل منطقه آسیب دیده مسؤول می‌داند. [۷]

تولید آلودگی و زیان‌های حاصل از این آلودگی حسب مورد ممکن است متوجه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد؛ بنابراین به منظور شناسایی این اشخاص این مبحث در دو

وارد کننده و دفع کننده می‌گردد. از این رو، بایستی مسؤولیت بر این اساس که چه کسی در هر دوره از حمل و نقل مسؤول است، توزیع شود. پروتکل بازل تضمین می‌کند که خسارت صدمات وارد شده در حین حمل و نقل زباله‌های خطرناک، هم باید به وسیله یکی از افراد معین شده دارای مسؤولیت مطلق جبران گردد و هم توسط افراد دارای مسؤولیت مبتنی بر تقصیر.

اما درباره زیان‌هایی که ممکن است به موجب اقداماتی غیر از حمل و نقل برون مرزی زباله‌ها ایجاد شود و برای اشخاص حقیقی مسؤولیت ایجاد کند، از یک طرف مدیریت اجرایی کلیه پسماندهای غیر صنعتی و ویژه به عهده شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و بخش‌های می‌باشد که این ارگان‌ها می‌توانند تمام یا بخشی از عملیات مربوط به جمع‌آوری، جداسازی و دفع پسماندها را به اشخاص حقیقی واگذار نمایند و از طرف دیگر مدیریت پسماندهای صنعتی و ویژه به عهده تولید کننده خواهد بود.

ماده ۷ قانون مدیریت پسماندها در این رابطه مقرر می‌دارد: «مدیریت اجرایی کلیه پسماندها غیر از صنعتی و ویژه در شهرها و روستاها و حریم آنها به عهده شهرداری و دهیاری‌ها و در خارج از حوزه و وظایف شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به عهده بخش‌های می‌باشد. مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و ویژه به عهده تولید کننده خواهد بود. در صورت تبدیل آن به پسماند عادی به عهده شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و بخش‌های می‌باشد». بند ج ماده ۲ این قانون نیز مدیریت اجرایی را شخصیت حقیقی یا حقوقی می‌داند که مسؤول برنامه ریزی، ساماندهی، مراقبت و عملیات اجرایی مربوط به تولید، جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، جداسازی، حمل و نقل، بازیافت، پردازش و دفع پسماندها و همچنین آموزش و اطلاع رسانی در این زمینه می‌باشد.

تولید کنندگان آن دسته از پسماندهایی که دارای یکی از ویژگی‌های پسماندهای ویژه می‌باشند، موظفند با بهینه‌سازی فرآیند و بازیابی، پسماندهای خود را به حداقل برسانند. همچنین تولید کنندگان پسماند عادی و اشخاص حقیقی مسؤول مراکز و مجتمع‌هایی که پسماند عادی تولید می‌کنند، از قبیل ساکنین منازل، مدیران و متصدیان مجتمع‌ها و شهرک‌ها، اردوگاه‌ها، سربازخانه‌ها، واحدها و مجتمع‌های تجاری، خدماتی، آموزشی، تفریحی

منظور تعیین فردی که می‌توان مسؤولیت را به او نسبت داد، مطرح شده است؛ دسته اول: اطلاع دهنده شامل تولید کنندگان یا صادر کنندگان پسماندها که کشور فرستنده به آنها نیاز دارد تا بر اساس بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون بازل^۱ به کشور وارد.

کننده اطلاع رسانی کند، دسته دوم: فردی که کنترل عملیاتی پسماندهای خطرناک را در اختیار دارد.

گزینه نخست با اصل پرداخت توسط آلوده ساز و این مفهوم تطابق دارد، فردی که امکان انتقال برون مرزی زباله‌ها را فراهم کرده است، باید مسؤول صدمه‌ای باشد که از این انتقال نشأت گرفته است. بدین معنا که ایجاد کننده این انتقال مسؤولیت هرگونه آلودگی را برعهده دارد.

مشکل دیگر در تعیین فرد مسؤول برای زیان‌های ناشی از انتقال برون مرزی زباله‌های خطرناک، لزوم تعریف مسؤولیت لحظه‌ای است. به علت پیچیدگی فعالیت‌های مربوط به چنین انتقال‌هایی، تعیین این مسأله حائز اهمیت است که چه زمانی شخص دارای ارتباط قابل توجه با پسماندها در نظر گرفته شود.

کنوانسیون بازل در ماده ۶ پنج شخص حقیقی یا حقوقی را تعیین می‌کند که می‌توانند در حمل و نقل زباله‌های خطرناک نقش داشته باشند. «تولید کننده»؛ شخص «صادر کننده» که در حوزه دولت صادر کننده است و برای صادرات زباله‌های خطرناک، هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد؛ «حامل»؛ شخص «وارد کننده» که زباله‌های خطرناک را به دولتی که زباله‌ها باید در آن تخلیه شود، وارد می‌کند یا به جای دیگری می‌برد که زباله‌ها در آنجا بارگذاری می‌شوند تا در نواحی خارج از حوزه اختیار هر دولت دفع می‌شوند؛ و در نهایت، «دفع کننده» که محموله را دریافت و دفع می‌کند.

بنابراین توزیع مسؤولیت تحت پروتکل، حول حامل نمی‌چرخد بلکه حول محور تولید کننده، صادر کننده،

^۱ ماده ۶) انتقال برون مرزی بین اعضای کنوانسیون:

بند ۱) کشور صدور باید کتباً از طریق مراجع صالح کشور صدور، مرجع صالح کشورهای ذینفع را از هر گونه انتقال برون مرزی زباله‌های مضر و سایر انواع زباله که در نظر دارد انجام دهد مطلع سازد یا از ایجاد کننده یا صادر کننده زباله بخواهد که چنین اقدامی را به عمل آورد. این گونه اطلاعیه باید محتوی مطالب و اطلاعات مذکور در الحاقیه ۵ الف و به زبان قابل قبول کشور ورود باشد. فقط یک اطلاعیه باید به هر کشور ذینفع ارسال گردد

۵-۲- اشخاص حقوقی

خسارت‌های ناشی از آلودگی پسماندها نه تنها متوجه اشخاص حقیقی بوده بلکه، به وسیله اشخاص حقوقی نیز متصور می‌باشد. منتها برای شناسایی مسئولیت اشخاص حقوقی نیز همانند اشخاص حقیقی باید بین زیان‌های حاصل از حمل و نقل برون مرزی پسماندهای ویژه و زیان‌های حاصل از سایر اقدامات قائل به تفکیک شد زیرا همانطوریکه پیشتر اشاره شد ماده ۱۴ قانون مدیریت پسماندها حمل و نقل برون مرزی پسماندهای ویژه را تابع مقررات کنوانسیون بازل قرار داده است.

کنوانسیون بازل در ماده ۶ پنج شخص حقوقی را علاوه بر اشخاص حقیقی تعیین می‌کند که می‌توانند در حمل و نقل زباله‌های خطرناک نقش داشته باشند. «تولید کننده»، شخص «صادر کننده» که در حوزه دولت صادر کننده است و برای صادرات زباله‌های خطرناک، هماهنگی لازم را انجام می‌دهد؛ «حامل»؛ شخص «وارد کننده» که زباله‌های خطرناک را به دولتی که زباله‌ها باید در آن تخلیه شود، وارد می‌کند یا به جای دیگر می‌برد که زباله‌ها در آنجا بارگذاری می‌شوند تا در نواحی خارج از حوزه اختیار هر دولت دفع می‌شوند؛ و در نهایت «دفع کننده» که محموله را دریافت و دفع می‌کند.

در خصوص سایر اقدامات مربوط به مدیریت پسماندها و زیان‌هایی که ممکن است در نتیجه این اقدامات به اشخاص و محیط زیست وارد شود از آنجایی که ماده ۷ قانون مدیریت پسماندها، مدیریت اجرایی کلیه پسماندها غیر از صنعتی و ویژه را برعهده شهرداری‌ها،

دهیاری‌ها و بخشداری نهاده است که هر یک از این نهادها نیز می‌توانند تمام یا بخشی از عملیات اجرایی را به اشخاص حقوقی خصوصی واگذار نمایند. بنابراین مطالب این گفتار در دو بخش اشخاص حقوقی عمومی و اشخاص حقوقی خصوصی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵-۲- اشخاص حقوقی عمومی

علاوه بر مدیران اجرایی پسماندهای عادی- شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در شهر و روستا و حریم آن‌ها و بخشداری‌ها در خارج از حوزه وظایف شهرداری‌ها و دهیاری‌ها- و اشخاص حقوقی عمومی که عملیات مدیریت پسماندها به

و تفرجگاهی در قبال مدیریت‌های اجرایی پسماند عادی پاسخگو هستند.^۱

فعالان در عملیات ساختمانی که ممکن است اشخاص حقیقی باشند، موظفند مقررات لازم را در خصوص جداسازی، ذخیره و انتقال نخاله‌های ساختمانی رعایت کنند و در قبال آلودگی‌های ناشی از این نوع از آلاینده‌ها مسؤول می‌باشند.

واردکنندگان کالاهایی که پسماندهای ویژه ایجاد می‌کنند نظیر سموم و کودهای شیمیایی مسئولیت بسته‌بندی این محصولات را بر عهده دارند و باید نحوه استفاده، نگهداری، حمل و نقل و دفع پسماندهای حاصل از مصرف این نوع کالاها را بر روی بسته‌بندی درج کنند.

به موجب ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها علاوه بر تولید کنندگان و وارد کنندگان، توزیع کنندگان کالا و مواد نیز باید مشخصات، مقدار و نحوه مدیریت پسماندهای ویژه خود را به سازمان و دستگاه ذیربط ارائه نمایند. بدیهی است که در صورت

تخلف علاوه بر مسؤولیت کیفری مقرر در ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماندها در صورت بروز خسارت مسؤول زیان‌های ناشی از این اقدام نیز خواهند بود.

تخلیه پسماندهای ویژه در اماکن غیر مجاز ممنوع می‌باشد و مسؤولیت تخلیه کننده را به همراه خواهد داشت. ماده ۳۱ آیین نامه در این خصوص مقرر می‌کند: «تخلیه کنندگان پسماندهای ویژه در اماکن غیر مجاز و همچنین خودروهای تخلیه کننده پسماندهای ویژه حسب مورد، به حداکثر مجازات‌های تعیین شده در مواد ۱۶ و ۲۰ قانون محکوم خواهند شد.» بنابراین با بررسی قانون مدیریت پسماندها و آیین نامه اجرایی آن برداشت می‌شود که اشخاص حقیقی نه تنها آنگاه که مدیریت اجرایی را از جانب شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و بخشداری‌ها بر عهده می‌گیرند و مسؤول زیان‌های ناشی از این عملیات هستند بلکه در مقام تولید کننده، توزیع کننده و وارد کننده ممکن است در قبال زیان‌های ناشی از این اقدامات که بر اشخاص و محیط زیست وارد می‌شود مسؤول باشند.

ماده ۸ قانون مدیریت پسماندها^۱

انواع مصالح ساختمانی از نوع کانی‌های غیر فلزی باید پسماندهای حاصل از کالاهای خود را بازیافت نمایند.

تولید کنندگان و وارد کنندگان مواد و محصولاتی که منجر به ایجاد پسماندهای ویژه می‌گردند (از جمله سموم و کودهای شیمیایی) باید نحوه استفاده، نگهداری، حمل و نقل و دفع پسماندهای حاصل از مصرف و نیز اشیاء و موارد آلوده شده به آن‌ها را پس از تأیید مراجع ذیربط، بر روی بسته بندی درج نمایند.

مطابق ماده ۱ آیین نامه اجرایی حمل و نقل مواد خطرناک مصوب ۱۳۸۰ متصدی حمل و نقل کلیه شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل، سازمان‌ها، کارخانجات و غیره اعم از دولتی و غیر دولتی می‌باشند که به حمل و نقل محصولات خطرناک (تولید یا مواد اولیه) مبادرت می‌ورزند.

مطابق ماده ۴ این آیین نامه وسایل حمل و نقل حامل مواد و محصولات خطرناک که مورد استعمال این مؤسسات و شرکت‌ها می‌باشد باید در حین عملیات حمل و نقل کلیه نشانه‌ها و علائم مربوط را داشته باشد. همچنین فرستنده کالا و محصول خطرناک مکلف است پیش از تنظیم قرارداد حمل و نقل کالا، طی اظهارنامه‌ای متصدی حمل و نقل را از خطرناک بودن محموله و همچنین نوع خطر و اقدامات احتیاطی که باید در حین حمل و نقل کالای موصوف به عمل آید، مطلع نماید. چنانچه متصدی حمل و نقل از وجود کالای خطرناک آگاه نشده باشد، پس از وقوف به موضوع باید با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست یا واحدهای تابعه آن و کسب اجازه مدعی العموم حوزه قضایی محل توقف نسبت به تخلیه محموله اقدام نموده یا به محل بارگیری عودت دهد. در این شرایط صاحب کالا مطابق قوانین

مقررات موجود مسؤول جبران کلیه خسارت‌ها و هزینه‌هایی است که از تحویل چنین کالایی به متصدی حمل و نقل، شخص ثالث یا دولت وارد گردیده است.

همچنین در خصوص عملیات بارگیری، حمل و نقل و باراندازی مواد و محصولات خطرناک تکالیفی به موجب آیین نامه بر عهده فرستنده و متصدیان حمل و نقل قرار گرفته که مسؤولیت جبران زیان‌های حاصل از این اقدامات را برای آن‌ها در پی خواهد داشت. به موجب ماده

موجب قرار داد به آن‌ها ارجاع می‌شود گاهی اوقات تولید کنندگان پسماندها نیز ممکن است اشخاص حقوقی عمومی بوده که باید در قبال مدیریت‌های اجرایی پسماندها پاسخگو باشند.

طبق ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها تولید کنندگان پسماند عادی و اشخاص حقوقی و مسؤول مراکز و مجتمع‌هایی که پسماند عادی تولید می‌کنند از قبیل ساکنین منازل، مدیران و متصدیان مجتمع‌ها و شهرک‌ها، اردوگاه‌ها، سربازخانه‌ها، واحدها و مجتمع‌های تجاری، خدماتی، آموزشی، تفریحی و تفرجگاهی در قبال مدیریت اجرایی پسماند عادی پاسخگو می‌باشند.

ماده ۹ آیین نامه نیز اشخاص حقوقی‌ای را که مبادرت به عملیات ساختمانی و عمرانی از هر قبیل در سطح شهر، روستاها و بخش می‌نمایند موظف نموده تا مقررات مربوط به جداسازی، ذخیره و انتقال نخاله‌های ساختمانی را رعایت نمایند. با توجه به این امر که اشخاص حقوقی عمومی نیز ممکن است اعمال تصدی گرایانه را برعهده گیرند و اقداماتی را انجام دهند عموم و اطلاق ماده این اشخاص را نیز شامل می‌شود. بنابراین شخص حقوقی عمومی که مبادرت به عملیات ساختمانی می‌کند مسؤول جبران زیان‌هایی خواهد بود که در نتیجه عدم رعایت مقررات مربوط به جداسازی و ذخیره و انتقال نخاله‌های ساختمانی بر اشخاص یا محیط وارد می‌شود.

ماده ۱۰ آیین نامه نیز بخشداری‌ها را مسؤول جمع آوری، حمل و دفع پسماندهای عادی بین راهی نموده که به موجب تبصره این ماده راهداری‌ها نیز باید در مدیریت پسماندهای حریم جاده‌ها و اماکن بین راهی با بخشداری‌ها همکاری نمایند. کلیه مراکز تولید کننده پسماندهای ویژه اعم از دولتی و غیر دولتی باید پسماندهای ویژه را در همان محل تولید از پسماند عادی جدا سازند.

کلیه تولید کنندگان و وارد کنندگان کالاهایی نظیر مواد پلیمری، کالاهای شیشه‌ای، کریستال، اشیای ساخته شده از فلزات ساده و آلیاژی، اشیای ساخته شده از چوب و نئوپان، کالاهای ساخته شده از کاغذ و مقوا، انواع روغن‌های روانکار، کالاهایی که حداقل از دو جزء شیشه، فلز، پلیمر، سلولز تشکیل شوند؛ لوازم برقی و الکترونیکی؛

رعایت نموده و بسته‌ها و جعبه‌های حامل مواد خطرناک نیز دارای برچسب ویژه‌ای باشند و روش‌های بسته بندی در مورد آن‌ها نیز رعایت گردد.

۲-۵-۲- اشخاص حقوقی خصوصی

علاوه بر اشخاص حقیقی و حقوقی عمومی که مدیریت اجرایی پسماندها را برعهده دارند و ملزم به رعایت ضوابط و مقررات مربوط به این نوع از آلاینده‌ها می‌باشند اشخاص حقوقی خصوصی نیز ممکن است به عنوان مدیران اجرایی مسئول عملیات اجرایی مربوط به جمع‌آوری، جداسازی و دفع پسماندها و یا به عنوان تولیدکننده مسئول این اقدامات قرار گیرند.

مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و ویژه بر عهده تولید کننده است. ضمن اینکه تولید کنندگان پسماندی که دارای ویژگی‌های پسماندهای ویژه نیز می‌باشند، موظفند با بهینه سازی فرآیند و بازیابی، پسماندهای خود را به حداقل برسانند.

اشخاص حقوقی خصوصی ممکن است در مقام وارد کننده، کالاهایی وارد کنند که پسماندهایی را ایجاد کند در اینصورت موظفند پسماندهای حاصل از این نوع کالاها را بازیافت کنند. ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی قانون مدیریت پسماندها در مقام بیان بازیافت کالاهای خاص کلیه تولید کنندگان و وارد کنندگان را موظف به بازیافت پسماندهای حاصل از این کالاها نموده است.

گاهی اوقات نیز اشخاص حقوقی خصوصی ممکن است توزیع کالاها و مواد را بر عهده داشته باشند که در اینصورت مطابق ماده ۲۰ آیین نامه مکلفند مشخصات، مقدار و نحوه مدیریت پسماند ویژه خود را به سازمان و دستگاه ذیربط ارائه نمایند. متخلفین از مفاد این ماده به مجازات‌های مقرر در ماده ۱۶ قانون محکوم خواهند شد. البته اگر زیانی نیز به واسطه این تخلف وارد شود به استناد ماده ۱۹ قانون جبران آن بر عهده عاملین آلودگی و زیان خواهد بود. ماده ۳۳ قانون مدیریت پسماندها حمل و نقل درون مرزی پسماندهای ویژه را تابع آیین نامه اجرایی حمل و نقل مواد خطرناک قرار داده است. اشخاص حقوقی خصوصی ممکن است در زمره متصدیان حمل و نقل مواد خطرناک باشند که به موجب ماده ۱ آیین نامه کلیه شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل، سازمان‌ها،

این آیین نامه متصدی حمل و نقل چنانچه قصد حمل مواد خطرناک را دارد که در طبقه بندی مواد خطرناک تحت طبقات ۸، ۶، ۱ و ۹^۱ شناسایی گردیده‌اند مکلف است جهت هماهنگی و تعیین مسیر مجاز تردد از مبدأ به مقصد و با اولویت جاده‌های خارج از شهرها به سازمان حمل و نقل و پایانه‌های کشور یا سازمان‌های تابعه مراجعه و ضمن ارائه درخواست کتبی به همراه اظهارنامه صاحب کالا، مجوز و مسیر عبور مواد خطرناک را دریافت نماید. وسایل نقلیه حمل و نقل این آلاینده‌ها نیز فقط در ساعات روز مجاز به تردد در جاده‌های کشور می‌باشند و باید قبل از پایان روز در پارکینگ مناسب توقف و تا آغاز روز بعد از حرکت خودداری کنند. پارک و توقف این وسایل نیز در طول جاده‌ها فقط تحت شرایطی امکانپذیر است.

چنانچه وسیله نقلیه حامل مواد خطرناک به دلیل نقص فنی ناچار به توقف طولانی (بر اساس نظر سازمان حمل و نقل پایانه‌های کشور) در مسیر گردد راننده مکلف است متصدی حمل و نقل را از موضوع مطلع نماید و متصدی حمل و نقل نیز مکلف است به محض اطلاع وسیله نقلیه مناسبی را به همراه عوامل لازم برای باراندازی وسیله نقلیه معیوب و بارگیری وسیله نقلیه اعزامی به محل توقف خودرو اعزام نماید. در صورت بروز سوانحی که منجر به پخش مواد در طبیعت می‌گردد، متصدی حمل و نقل، موظف است سریعاً مراتب را به سازمان‌های امدادی اطلاع دهد.

متصدی حمل مکلف است قبل از اعزام وسیله نقلیه جهت بارگیری و حمل محموله خطرناک برنامه زمان بندی سفر را در اختیار راننده قرار دهد. و باید مقررات مربوط به اسناد و مدارک حمل و نقل کالای خطرناک را

^۱ ماده (۱) ... بند ب- مواد خطرناک: موادی که نسبت به بهداشت یا سلامت انسان، حیوان و محیط زیست ذاتاً خطرناک بوده و مشمول یکی از طبقه بندی های نه گانه زیر می‌باشند:

طبقه یک- این طبقه به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شود: ۱- مواد و محصولات منفجره

۲- محصولات و کالاهایی که با مواد منفجره انباشه گردیده‌اند ۳- محصولات و کالاهایی که ایجاد آتش سوزی و احتراق می‌نمایند. طبقه شش- این طبقه به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شود:

۱- محصولات سمی.

۲- مواد و محصولات متعفن که باعث ایجاد و نشر بیماری‌های عفونی می‌گردند. طبقه هشت- مواد خورنده و اسیدها طبقه نه- مواد و محصولات خطرناک متفرقه

شده است که حقوق کیفری به عنوان ابزاری حمایتی، نقش مهمی در صیانت از منافع عمومی و منابع طبیعی ایفا می‌کند (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۷؛ کیس و همکاران، ۱۳۷۹). افزون بر مبانی نظری، داده‌های عملی نیز ضرورت توجه جدی به مسئولیت کیفری در حوزه پسماند را نشان می‌دهد. بر اساس اعلام دادستان کل کشور در سال ۱۴۰۴، در بازه زمانی سال گذشته، ۲ هزار و ۷۳۹ پرونده تخلفاتی در حوزه محیط زیست در دستگاه قضایی تشکیل و مورد رسیدگی قرار گرفته است که برای ۲ هزار و ۲۹۵ مورد از مجموع این پرونده‌ها، حکم نهایی صادر شده است. همچنین، برای هزار و ۲۹۹ پرونده تخلفات حوزه زیست‌محیطی، احکام متناسب شامل جزای نقدی و حبس صادر شده است [۷].

دادستان کل کشور تأکید کرده است که در حوزه پسماند، ۷۰ تا ۸۰ درصد زباله و پسماند تولیدی در ایران دفن می‌شود و نفوذ شیرابه پسماندها از عوامل اصلی تخریب محیط زیست است. این آمار نشان می‌دهد که اگرچه نظام قضایی به پرونده‌های زیست‌محیطی رسیدگی می‌کند، اما نسبت پرونده‌های منجر به مجازات کیفری (حدود ۴۷ درصد کل پرونده‌ها) در مقایسه با حجم گسترده تخریب‌های ناشی از پسماند، همچنان نیازمند تقویت ضمانت اجراهای بازدارنده است [۸]. محرمی و هادی (۱۴۰۱) در بررسی حقوقی و جرم‌شناختی قانون مدیریت پسماندها، اشاره کرده‌اند که این قانون علی‌رغم نوآوری‌هایی مانند تفکیک مسئولیت اجرایی میان شهرداری‌ها، بخشداری‌ها و تولیدکنندگان پسماندهای خاص، هنوز با کاستی‌هایی در حوزه ضمانت‌اجراهای مدنی مواجه است. از جمله این کاستی‌ها، دشواری اثبات رابطه سببیت در خسارت‌های جمعی و بلندمدت ناشی از پسماند، و نبود سازوکار شفاف برای ارزیابی خسارت‌های زیست‌محیطی به منظور جبران کامل است. این یافته بر ضرورت بازنگری در قواعد اثبات دعوای مدنی در دعاوی زیست‌محیطی تأکید دارد [۹].

مدیریت پسماند فرایندی چندمرحله‌ای است که از تولید، تفکیک، جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، حمل، بازیافت، پردازش، امحا و دفع نهایی تشکیل می‌شود. هر یک از این مراحل در صورتی که برخلاف ضوابط فنی، بهداشتی و زیست‌محیطی انجام گیرد، می‌تواند منشأ آلودگی و در

کارخانجات و غیره می‌باشند. این اشخاص مسؤول جبران زیان‌هایی خواهند بود که در نتیجه عملیات مربوط به حمل و نقل مواد خطرناک نظیر عملیات مربوط به بارگیری، حمل و نقل، باراندازی و غیره وارد می‌شود.

ماده ۱۹ ضوابط و روش‌های اجرایی مدیریت پسماندهای کشاورزی که در اجرای ماده ۱۱ قانون مدیریت پسماندها به تصویب رسید کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی را که در خصوص نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماندها در محیط مغایر با این ضوابط عمل نمایند، متخلف محسوب نموده و مشمول ماده ۱۶ قانون قرار داده است. بدیهی است کلیه خسارات حاصله از این تخلفات به استناد ماده ۱۹ قانون قابل مطالبه خواهد بود.

ماده ۴ ضوابط و روش‌های اجرایی مدیریت پسماندهای پزشکی و پسماندهای وابسته نیز اجرای ضوابط و روش‌های مصوب را برای کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که پسماندهای پزشکی را در هر شکلی تولید، تفکیک، جداسازی، جمع‌آوری، دریافت، ذخیره، حمل، تصفیه، دفع و یا مدیریت می‌نمایند الزامی قرار داده و این اشخاص را در قبال جبران زیان‌های ناشی از این اقدامات مسؤول می‌داند.

۶-۲- مسئولیت کیفری اشخاص در آلودگی ناشی از مدیریت پسماند

در کنار مسئولیت مدنی که ناظر بر جبران خسارت‌های واردشده به اشخاص، اموال و محیط‌زیست است، مسئولیت کیفری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی حقوق محیط‌زیست، نقش اساسی در پیشگیری، مهار و مقابله با آلودگی‌های ناشی از مدیریت ناصحیح پسماند ایفا می‌کند. اهمیت توسل به ضمانت‌اجراهای کیفری از آن‌جا ناشی می‌شود که در بسیاری از موارد، تخلفات مرتبط با پسماند صرفاً موجب ورود خسارت خصوصی به یک یا چند فرد نمی‌شود، بلکه سلامت عمومی، بهداشت جامعه، تعادل اکولوژیکی و منابع طبیعی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. از این‌رو، پاسخ حقوقی به این دسته از رفتارها نمی‌تواند تنها در قالب جبران مالی خسارت باقی بماند، بلکه باید با جرم‌انگاری رفتارهای زیان‌بار و تعیین مجازات‌های مناسب، جنبه بازدارنده و پیشگیرانه نیز داشته باشد. در واقع، در ادبیات حقوق محیط‌زیست تأکید

عملیات غیرقانونی مدیریت پسماند، یا دفن و سوزاندن غیراصولی آن‌ها در صورت انطباق با عناوین قانونی، واجد وصف کیفری خواهند بود. عنصر مادی نیز ناظر به فعل یا ترک فعلی است که به آلودگی منتهی می‌شود یا نوعاً قابلیت ایجاد آن را دارد. از سوی دیگر، عنصر معنوی ممکن است به صورت عمد، بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی تحقق یابد؛ امری که در بسیاری از جرایم زیست‌محیطی به دلیل ماهیت تخصصی فعالیت‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۵؛ فیوضی، ۱۳۷۹).

از دیگر مسائل مهم در این حوزه، شناسایی اشخاصی است که ممکن است مسئولیت کیفری متوجه آن‌ها شود. آلودگی ناشی از مدیریت پسماند غالباً نتیجه عملکرد یک شخص واحد نیست، بلکه در بسیاری از موارد حاصل زنجیره‌ای از اقدامات چندین شخص حقیقی و حقوقی است. تولیدکنندگان پسماند، متصدیان جمع‌آوری و حمل، بهره‌برداران مراکز پردازش و دفع، مدیران واحدهای صنعتی و حتی برخی نهادهای نظارتی، هر یک ممکن است به فراخور نقشی که در ایجاد آلودگی داشته‌اند، در معرض مسئولیت کیفری قرار گیرند. در این میان، با توجه به نقش گسترده شرکت‌ها و مؤسسات در تولید و مدیریت پسماندهای صنعتی و خطرناک، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اهمیت ویژه‌ای یافته است [۲۱، ۲۲].

از جنبه تحلیلی، یکی از چالش‌های مهم در مسئولیت کیفری ناشی از آلودگی پسماند، احراز رابطه سببیت میان رفتار مرتکب و نتیجه زیان‌بار است. در بسیاری از موارد، آلودگی محیط‌زیست حاصل فرآیندی تدریجی و چندعاملی است و ممکن است چندین منبع آلاینده در ایجاد آن نقش داشته باشند. در چنین شرایطی، تعیین دقیق سهم هر عامل در ایجاد آلودگی دشوار می‌شود. با این حال، در حقوق محیط‌زیست برای حل این مشکل معیارهایی مانند ایجاد خطر نوعی، تخلف از استانداردهای قانونی و تسلط بر منبع آلودگی مورد توجه قرار می‌گیرد [۱۴]. در مجموع، مسئولیت کیفری در حوزه مدیریت پسماند افزون بر کارکرد واکنشی، دارای کارکردی بازدارنده و پیشگیرانه نیز هست. توسل به ضمانت اجرای کیفری نه تنها می‌تواند مرتکبان را با مجازات

نتیجه موجب تحقق مسئولیت کیفری شود. بنابراین آلودگی ناشی از مدیریت پسماند صرفاً به مرحله دفع نهایی محدود نمی‌شود، بلکه ممکن است در نتیجه نگهداری غیراصولی، نشت مواد آلاینده، دفن غیرمجاز، رهاسازی پسماند در طبیعت، اختلاط پسماندهای عادی و خطرناک یا سوزاندن غیرمجاز نیز ایجاد شود [۱۰، ۱۱]. مبنای توجیه مسئولیت کیفری در این حوزه را باید در ویژگی خاص منافع مورد حمایت جست‌وجو کرد. محیط‌زیست، بهداشت عمومی و امنیت زیستی از جمله ارزش‌هایی هستند که تعرض به آن‌ها محدود به زبان دیدگی فردی نیست، بلکه جامعه را به طور گسترده متأثر می‌سازد. از این حیث، جرم‌انگاری رفتارهای آلاینده در حوزه پسماند را می‌توان جلوه‌ای از توسعه حقوق کیفری در جهت حمایت از منافع عمومی و بین‌نسلی دانست [۱۲، ۱۳]. به بیان دیگر، حقوق کیفری محیط‌زیست صرفاً در پی واکنش نسبت به یک ضرر بالفعل نیست، بلکه با رویکردی احتیاطی و پیشگیرانه، رفتارهایی را که نوعاً ایجاد خطر می‌کنند نیز در قلمرو مداخله خود قرار می‌دهد [۱۴].

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت کیفری ناشی از آلودگی حاصل از مدیریت پسماند بر پایه مجموعه‌ای از قوانین و مقررات قابل تحلیل است. قانون مدیریت پسماندها به عنوان مهم‌ترین سند قانونی اختصاصی در این حوزه، در کنار قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و مقررات مربوط به بهداشت عمومی، چارچوبی برای شناسایی رفتارهای مجرمانه و تعیین ضمانت اجرای کیفری فراهم کرده است. این قوانین با توجه به ماهیت خطرناک برخی انواع پسماند، به‌ویژه پسماندهای صنعتی و بیمارستانی، حساسیت بیشتری نسبت به نحوه مدیریت آن‌ها نشان داده‌اند؛ زیرا هرگونه تخلف در این زمینه می‌تواند آثار شدید و گاه جبران‌ناپذیری بر سلامت انسان و محیط‌زیست برجای گذارد [۱۵، ۱۶]. از منظر حقوق کیفری، برای تحقق مسئولیت کیفری در آلودگی ناشی از مدیریت پسماند، وجود عناصر سه‌گانه جرم یعنی عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی ضروری است. عنصر قانونی اقتضا دارد که رفتار ارتكابی پیش‌تر در قانون جرم‌انگاری شده باشد. در این حوزه، رفتارهایی نظیر دفع غیرمجاز پسماند، آلودن منابع آب و خاک و هوا از طریق

سپس با استفاده از منطق حقوقی و جرم‌شناختی مورد تفسیر و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

۴- بحث و یافته‌ها

بررسی روندهای تاریخی و حقوقی مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی در چند دهه اخیر با چرخشی اساسی در نگرش خود نسبت به محیط‌زیست مواجه شده است. در گذشته، محیط‌زیست عمدتاً به‌عنوان منبعی پایان‌ناپذیر تلقی می‌شد و ملاحظات زیست‌محیطی در برابر اهداف اقتصادی و صنعتی در حاشیه قرار داشت. اما افزایش چشمگیر آلودگی‌ها، بحران‌های اقلیمی، تخریب منابع طبیعی و به‌ویژه پیامدهای جدی ناشی از تولید و جابه‌جایی پسماندهای خطرناک، این تصور را دگرگون کرد. بدین ترتیب، حفاظت از محیط‌زیست از یک موضوع صرفاً اخلاقی و توصیه‌ای، به ضرورتی حقوقی، سیاسی و حتی امنیتی تبدیل شد. یکی از چالش‌های اساسی در نظام حقوقی ایران، همان‌طور که سروی (۱۴۰۴) در تحلیل خود از جرائم پسماندی مطرح کرده است، کاهش اثربخشی مقررات به دلیل ناتوانی در جلب مشارکت شهروندان است. به اعتقاد وی، طراحی فرایندها بر انقیاد آشکار و محوریت گفتمان قدرت، منطق یک‌سویه دولتی، تعارض منافع و فقدان تنوع در پاسخ‌ها، از عمده دلایل این ناکارآمدی به شمار می‌رود. همچنین تمرکز اقدامات مداخله‌ای بر تهدیدستان شهری، از دیگر آسیب‌های رویه فعلی است. این تحلیل نشان می‌دهد که برای بهبود وضعیت، صرف اصلاح قوانین کافی نیست، بلکه باید الگوی مداخله از «انقیاد کیفری» به سمت «تنظیم‌گری پاسخگو» تغییر یابد [۲۰].

در این مسیر، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با تدوین اسناد متعدد، نشان داد که جامعه جهانی برای مقابله با تهدیدهای نوظهور، ابزارها و سازوکارهای حقوقی تازه‌ای خلق کرده است. مسیر تکاملی این حوزه به‌وضوح نشان می‌دهد که ابتدا اصول و قواعد موجود به‌صورت غیرالزام‌آور و به شکل «حقوق نرم» ظاهر شدند تا زمینه‌ساز پذیرش تدریجی شوند. اما با افزایش آگاهی از خطرات زیست‌محیطی، این اصول در قالب کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الزام‌آور تثبیت شده‌اند.

مواجه سازد، بلکه از طریق ایجاد هراس از تعقیب و مجازات، سایر اشخاص را نیز به رعایت مقررات زیست‌محیطی وادار می‌کند. به همین دلیل، در سیاست جنایی معاصر، حقوق کیفری به عنوان یکی از ابزارهای اساسی حمایت از محیط‌زیست و صیانت از منافع عمومی مورد توجه قرار گرفته است. در ارزیابی کارآمدی نظام کیفری ایران در قبال آلودگی‌های پسماند، پژوهش حسن‌پور و همکاران (۱۴۰۴) نشان می‌دهد که اگرچه شمار قوانین حمایت از محیط زیست در ایران بسیار است، اما سیاست کیفری به تنهایی قادر به رفع مشکلات در این زمینه نیست و سیاست کیفری زمانی مؤثر واقع می‌شود که همراه با اقدامات سرکوب‌گرانه، اقدامات پیشگیرانه (اجتماعی و وضعی) نیز به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، صرف جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای رفتارهای آلاینده، بدون تقویت سازوکارهای پیشگیرانه مانند نظارت مستمر، آموزش همگانی و مشارکت مردمی، نمی‌تواند انتظار بازدارندگی مؤثر را ایجاد کند. این یافته با تأکید بر ضرورت اتخاذ رویکردی ترکیبی در سیاست جنایی ایران، مکمل تحلیل حقوقی صرف از مسئولیت کیفری است [۱۰].

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به‌شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و منابع مورد استفاده شامل سه دسته است: (الف) اسناد بین‌المللی (مانند کنوانسیون بازل، پروتکل ۱۹۹۹ بازل، اعلامیه استکهلم)؛ (ب) قوانین و مقررات داخلی (قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳ و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون مجازات اسلامی)؛ (ج) رویه‌های حقوقی و داده‌های آماری (شامل گزارش‌های سازمان حفاظت محیط زیست، آمار پرونده‌های قضایی منتشرشده توسط قوه قضائیه و آرای دادگاه‌ها). همچنین برای تقویت جنبه کاربردی پژوهش، یافته‌های چند مقاله علمی معتبر [۱۰، ۲۰، ۲۱]. نیز تحلیل شده است. روش تحلیل بدین صورت بوده که پس از استخراج مفاهیم، مقررات و ضمانت‌اجراهای مدنی و کیفری، این موارد دسته‌بندی و

ضرورت حقوقی بین‌المللی است که دولت‌ها را به اتخاذ سیاست‌های مشترک و همسو ملزم می‌کند. کنوانسیون‌هایی چون لندن و بازل نقطه عطفی در این روند محسوب می‌شوند. کنوانسیون لندن نخستین تلاش جهانی برای جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع پسماندها بود و توانست اصول مهمی را در خصوص مسئولیت دولت‌ها نسبت به آب‌های دریایی بنا کند. کنوانسیون بازل نیز با تدوین مقررات دقیق‌تر و جامع‌تر، نظامی منسجم برای نظارت بر حمل‌ونقل فرامرزی پسماندهای خطرناک ایجاد کرد. این کنوانسیون با تاکید بر کاهش انتقال پسماندها، مدیریت ایمن، اطلاع‌رسانی و رضایت آگاهانه مقصد، سطح جدیدی از پاسخگویی را در سطح بین‌المللی ایجاد کرد. حسایی و صابری (۱۴۰۴) در تحلیل خود از سیاست جنایی ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی، به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست جنایی ایران، حتی در دستگاه‌های دولتی با حذف مجوزات خاص، علی‌رغم وجود برخی نقاط قوت، با چالش‌های اساسی در زمینه تقنین، اجرا و اقدام قضایی روبروست. این وضعیت سبب شده است که نظام حقوقی ایران نتواند به طور کامل با استانداردهای بین‌المللی در زمینه مسئولیت ناشی از پسماندهای خطرناک هماهنگ شود. از این رو، اصلاحات اساسی برای انطباق با اسنادی چون کنوانسیون بازل و پروتکل مسئولیت آن، و همچنین تحقق اهداف توسعه پایدار، ضرورتی انکارناپذیر است [۱۳].

تبیین سازوکارهای حل و فصل اختلافات و تعیین مسئولیت و جبران خسارت، گامی مهم در جهت تبدیل اصول اخلاقی به قواعد الزام‌آور بود. پروتکل ۱۹۹۹ بازل نیز با صراحت مسئله مسئولیت را مورد توجه قرار داد و نشان داد که جامعه جهانی دیگر نمی‌پذیرد خسارات زیست‌محیطی بی‌پاسخ بماند. در نتیجه، دولت‌ها موظف‌اند نه تنها از ورود ضرر جلوگیری کنند، بلکه در صورت وقوع آن، جبران خسارت نمایند. این امر موجب شده است که مسئولیت زیست‌محیطی بخشی جدایی‌ناپذیر از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها شود. تحلیل کلی این روندها نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل محیط‌زیست امروز از یک مرحله بلوغ برخوردار شده است. رویکرد جهانی از صرف تنظیمات توصیه‌ای و داوطلبانه، به سمت تعهدات دقیق،

افزون بر تحلیل اسناد و قوانین، بررسی چند نمونه از آرای صادره از محاکم ایران نشان می‌دهد که مسئولیت کیفری در حوزه آلودگی پسماند در رویه قضایی تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است. در یکی از آرای قابل استناد، شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی تهران فردی را به اتهام دفع و تخلیه غیرمجاز پسماند در محیط، مستند به ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳، به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرده است (دادنامه شماره ۱۸/۲۰۰۲۷۰۲۷۰۹۹۷۰۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۶). در نمونه دیگر، دادگاه کیفری شهرستان اردل در چهارمحال و بختیاری، یک شهردار و دو دهیار را به دلیل «تهدید علیه بهداشت عمومی و ایجاد آلودگی محیط زیست از طریق رهاسازی و عدم اقدام به جمع‌آوری و دفن غیراصولی پسماندها» مجرم شناخته و با استناد به ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به مجازات حبس تعزیری و جزای نقدی محکوم کرده است. بر اساس این رأی، شهردار به پرداخت ۱۰۰ میلیون ریال جزای نقدی، یک دهیار به نود و یک روز حبس تعزیری و دهیار دیگر به ۳۵ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده‌اند. همچنین در سال ۱۳۹۳، اداره حفاظت محیط زیست شهرستان بهارستان از صدور هشت فقره رأی محکومیت کیفری برای متخلفان از قانون مدیریت پسماندها خبر داد که نشان‌دهنده رویه کیفری در این حوزه بوده است. به‌طور کلی، بررسی رویه قضایی ایران نشان می‌دهد که هرچند محاکم به جرائم حوزه پسماند رسیدگی می‌کنند، اما نرخ محکومیت کیفری (به ویژه مجازات‌های سالب آزادی) در مقایسه با حجم تخلفات موجود پایین است و در بسیاری از موارد، مجازات‌های تعیین شده عمدتاً جنبه مالی دارند و کارایی بازدارندگی لازم را ندارند. این امر ضرورت تقویت ضمانت‌اجراهای کیفری و ایجاد دادگاه‌های تخصصی محیط زیست را نشان می‌دهد برای دادنامه تهران: [۱۲].

در میان موضوعات مختلف زیست‌محیطی، پسماندهای خطرناک به دلیل ماهیت شیمیایی، سمی و ماندگاری طولانی در طبیعت، اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. این پسماندها نه تنها سلامت انسان و موجودات زنده را مستقیماً تهدید می‌کنند، بلکه قادرند تعادل اکوسیستم‌ها را برای مدت‌های طولانی برهم زنند. از این رو، مدیریت آن‌ها تنها یک مسئله فنی یا مهندسی نیست، بلکه یک

قابل اجرا و همراه با ضمانت اجرا حرکت کرده است. این تحول نشان می‌دهد که حمایت از محیط‌زیست نه یک موضوع انتخابی، بلکه ضرورتی برای تضمین بقای نسل حاضر و نسل‌های آینده است. در نهایت، حفاظت پایدار از محیط‌زیست، به‌ویژه در زمینه پسماندهای خطرناک، تنها با تصویب اسناد بین‌المللی تحقق نمی‌یابد. تحقق واقعی اهداف زیست‌محیطی نیازمند ترکیبی از عوامل است: اجرای دقیق تعهدات توسط دولت‌ها، نظارت مؤثر، شفافیت، مشارکت عمومی، دسترسی آزاد به اطلاعات، همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی، و مهم‌تر از همه تغییر نگرش انسان نسبت به طبیعت. احترام به حقوق طبیعت و درک این واقعیت که انسان جزئی از نظام زیستی و نه برتر از آن است، شرط اساسی پایداری محیط‌زیست محسوب می‌شود. بنابراین، با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در حوزه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، آینده حفاظت از محیط‌زیست وابسته به میزان پایداری واقعی دولت‌ها به تعهدات خویش، همکاری مؤثر بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر توسعه پایدار است. تنها در این صورت می‌توان امیدوار بود که نسل‌های آینده از حق طبیعی خود بر محیط‌زیست سالم بهره‌مند شوند.

۵- نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی ابعاد مسئولیت مدنی و کیفری در آلودگی ناشی از پسماند و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شد و یافته‌های آن نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران از نظر هنجاری چارچوب نسبتاً جامعی برای مسئولیت مدنی و کیفری در حوزه پسماند فراهم کرده است، اما میان قانون و عمل شکاف معناداری وجود دارد. مسئولیت مدنی غالباً به جبران خسارت مالی محدود می‌شود و اعاده وضع پیشین (بازسازی محیط زیست) به دلیل دشواری ارزیابی خسارت و نبود ضمانت اجرای مؤثر، به ندرت محقق می‌گردد. از سوی دیگر، مسئولیت کیفری با وجود پیش‌بینی مجازات‌هایی مانند حبس، جزای نقدی و تعطیلی واحد آلاینده در ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماندها، به دلیل پایین بودن نرخ محکومیت (بر اساس آمار دادستان کل کشور در سال ۱۴۰۴، تنها حدود ۴۷ درصد پرونده‌های زیست‌محیطی منجر به مجازات کیفری شده است) و جزای نقدی اندک نسبت به سود حاصل از تخلف، کارایی بازدارندگی کافی

ندارد. این یافته با پژوهش‌های حسن‌پور و همکاران (۱۴۰۴) و سروی (۱۴۰۴) همخوانی دارد که ضعف در رویه قضایی (عدم تخصص کافی قضات، طولانی بودن فرآیند رسیدگی، دشواری اثبات رابطه سببیت) و نقص در نظارت (کمبود بازرس، نبود سامانه یکپارچه پایش پسماند) را از موانع اصلی اجرای مؤثر مسئولیت‌ها معرفی کرده‌اند. همچنین حسایی و صابری (۱۴۰۴) نشان داده‌اند که سیاست جنایی ایران با اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون بازل هماهنگی کامل ندارد. بر این اساس، راهکارهای پیشنهادی این پژوهش شامل ایجاد دادگاه‌های تخصصی محیط زیست در استان‌های آلوده‌خیز، اصلاح قانون مدیریت پسماندها در جهت افزایش نرخ جزای نقدی متناسب با تورم و سود اقتصادی ناشی از تخلف، تسهیل اثبات رابطه سببیت از طریق پذیرش مسئولیت مطلق یا معکوس کردن بار اثبات برای فعالیت‌های پرخطر (پسماندهای ویژه)، تقویت سامانه ملی رصد پسماند و ارائه آمار شفاف به عموم، و در نهایت هماهنگی بیشتر با کمیسیون بازل و انعقاد تفاهمنامه‌های منطقه‌ای برای جلوگیری از قاچاق پسماندهای خطرناک است. در نهایت، حفاظت پایدار از محیط زیست در برابر آلودگی پسماند نیازمند رویکردی ترکیبی است که در آن مسئولیت مدنی (جبران خسارت)، مسئولیت کیفری (بازدارندگی)، نظارت مؤثر و مشارکت عمومی توأمان به کار گرفته شوند، زیرا همان‌طور که اصل ۵۰ قانون اساسی تأکید دارد، حفاظت از محیط زیست وظیفه‌ای عمومی و همگانی است و تنها با عزم جمعی می‌توان از حقوق نسل‌های آینده صیانت کرد.

۶- مراجع

- [۱] عبداللهی، م. (۱۳۸۸). حقوق محیط زیست در ایران (چاپ ۱). تهران: خرسندی.
- [۲] موسوی مقدم، س. (۱۳۸۹). مدیریت پسماندها (چاپ ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳] بیک‌زاده، ا. (۱۳۸۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی (چاپ ۱). تهران: مجد.
- [۴] دبیری، م. (۱۳۸۸). مدیریت پسماندهای بیمارستانی (چاپ ۱). تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

- [۵] عمرانی، غ. ع. (۱۳۸۶). مواد زائد جامد (چاپ ۲). تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- [۶] حسینی، س. م. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی در آلودگی‌های زیست‌محیطی (چاپ ۱). تهران: میزان.
- [۷] غفور خوئینی، م. و همکاران. (۱۳۹۵). بررسی پروتکل بازل و مسئولیت مدنی. فصلنامه حقوق محیط زیست، ۴(۲)، ۲۵-۴۰.
- [۸] تقی‌زاده انصاری، م. (۱۳۸۷). حقوق محیط زیست در ایران (چاپ ۲). تهران: سمت.
- [۹] کیس، ا.، سند، پ. ه.، فرایده، و. و لانگ، ل. (۱۳۷۹). حقوق محیط زیست (جلد ۱، ترجمه: حبیبی، م. ح.). تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۰] حسن‌پور، ا.، جلیلیان، م. و شکرچی‌زاده، م. (۱۴۰۴). سیاست جنایی تقنینی و اجرایی ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی. پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دانشگاه لرستان، ۱-۱۰.
- [۱۱] محرمی، ی. و هادی، د. (۱۴۰۱). بررسی حقوقی و جرم‌شناختی قانون مدیریت پسماندها. فصلنامه قانون یار، ۶(۲۲)، ۱-۱۲.
- [۱۲] اسدی، م.، رازی، ف.، نبی‌زاده، ر. و وجدانی، م. (۱۳۷۱). مدیریت پسماندهای خطرناک (چاپ ۱). تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- [۱۳] گروه صلح کرسی حقوق بشر یونسکو. (۱۳۸۹). حقوق زیست‌محیطی بشر (چاپ ۱). تهران: دادگستر.
- [۱۴] موسوی، س. ف. (۱۳۸۵). سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست (چاپ ۱). تهران: میران.
- [۱۵] روش، ک. (۱۳۹۱). بایسته‌های حقوق محیط زیست (ترجمه: مشهدی، ع. ع.).
- خسروشاهی، ح. و یوسفی، ز. (چاپ ۱). تهران: خرسندی.
- [۱۶] مشهدی، ع. (۱۳۹۱). ترمینولوژی حقوق محیط زیست (چاپ ۱). تهران: خرسندی.
- [۱۷] ضیائی بیگدلی، م. ر. (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل عمومی (چاپ ۲۳). تهران: میزان.
- [۱۸] فیوضی، ر. (۱۳۷۹). حقوق بین‌الملل (مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی از اتباع) (جلد ۱، چاپ ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- [۱۹] زمانی، ق. (۱۳۸۸). حقوق سازمان‌های بین‌المللی (شخصیت، مسئولیت، مصونیت) (چاپ ۶). تهران: شهر دانش.
- [۲۰] سروی، ج. (۱۴۰۴). مهار جرائم پسماندی؛ از انقیاد کیفری تا تبعیت تنظیمی. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۴)، ۸-۱۸. (ارجاع در تحلیل جرائم پسماندی و چالش‌های مشارکت شهروندی)
- [۲۱] دادگاه عمومی تهران، شعبه ۱۰۵. (۱۳۹۴). *دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۷۰۲۰۰۰۱۸.
- [۲۲] حسایی، ع. و صابری، ن. (۱۴۰۴). تحلیل و نقد سیاست جنایی ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی. دوفصلنامه حقوق کیفری، ۳(۱)، ۱۰۹-۱۳۰.
- [۲۳] گل، ا. (۱۳۹۱). مسئولیت بین‌المللی دولت (چاپ ۴). تهران: شهر دانش.
- [۲۴] آقایی، س. د. (۱۳۸۷). سازمان‌های بین‌المللی (چاپ ۶). تهران: سرای عدالت.
- [۲۵] پورنوری، م. و حبیبی، م. (۱۳۸۶). حقوق بین‌الملل دریاها (چاپ ۳). تهران: مرکز ملی اقیانوس‌شناسی.
- [۲۶] تقی‌زاده انصاری، م. (۱۳۸۵). حقوق سازمان‌های بین‌المللی (چاپ ۲). تهران: نشر قوس.

- [۲۷] خانی، م. ح. (۱۳۸۹). پیشینه نقش سازمان‌های بین‌المللی در نظام بین‌الملل (چاپ ۱). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- [۲۸] روایی، ع. و عباسی‌مزار، ز. (۱۳۸۲). فرهنگ لغت محیط زیست. تهران: شرکت ملی نفت ایران.
- [۲۹] شلتون، د. و کیس، ا. (۱۳۸۹). کتابچه قضایی حقوق محیط زیست (ترجمه: عبداللهی، م.) (چاپ ۱). تهران: خرسندی.
- [۳۰] طلایی، ف. (۱۳۸۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی (چاپ ۱). تهران: جنگل.
- [۳۱] طلایی، ف. (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل دریاها (چاپ ۱). تهران: جنگل.
- [۳۲] قائم‌مقام فراهانی، س. ع. (۱۳۸۲). حقوق بین‌الملل سازمان‌های بین‌المللی (چاپ ۳). تهران: دادگستر.
- [۳۳] فیوضی، ر. (۱۳۷۹). مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی از اتباع (جلد ۲، چاپ ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- [۳۴] لدسو-بوشک، ر. (۱۳۷۵). فرهنگ حقوق بین‌الملل (ترجمه: آقای، ب.) (چاپ ۱). تهران: گنج دانش.
- [۳۵] موسوی‌زاده، ر. (۱۳۸۶). سازمان‌های بین‌المللی (چاپ ۱۶). تهران: میزان.
- [۳۶] استویبر، ک.، بایتر، آ.، پلزر، ن. و تونهاوزر، و. (۱۳۸۸). حقوق هسته‌ای (ترجمه: عباسی، ع.). تهران: مجد.
- [۳۷] Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal. (1989). United Nations Treaty Series, Vol. 1673, p. 57. <https://www.basel.int>.
- [38] United Nations. (1972). Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration). UN Doc. A/CONF.48/14/Rev.1.
- [39] Iranian Islamic Penal Code (2013). (Articles 688, 690-f, 690-g). Islamic Consultative Assembly.
- [40] IRNA (Islamic Republic News Agency). (2014, May 25). Eight criminal conviction verdicts issued for violators of the Waste Management Law. <https://www.irna.ir/news/81177050>
- [41] IRNA (Islamic Republic News Agency). (2025, June 10). Final verdicts issued for 2,295 environmental violation cases. <https://www.inn.ir/news/119911>
- [42] YJC (Young Journalists Club). (2024, November 10). Three court verdicts issued for environmental pollution in Ardal. <https://www.yjc.ir/fa/news/8586795>
- [43] Sarvi, J. (2025). Controlling waste crimes: From criminal subjugation to regulatory compliance. Research and Development in Criminal Law and Criminology, Iranian Law and Legal Research Institute. Advance online publication. <https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2058605.1183>
- [44] Hasanpour, A., Jalilian, M., & Shokrchizadeh, M. (2025). Iran's legislative and executive criminal policy towards environmental crimes. New Researches in Islamic Humanities Studies, Lorestan University. Advance online publication. <https://doi.org/10.22034/api.2025.2064948.1368>.
- [45] Hesaei, A., & Saberi, N. (2025). Analysis and criticism of Iran's criminal policy on environmental crimes based on international conventions. Journal of International Criminal Law, 3(1), 109-130.

Civil and Criminal Liability of Persons in Pollution Caused by Waste Management

Amin Amirian Farsani ^{1*}, Mehdi Rahmani ²

1- Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Gonabad Higher Education Complex, Gonabad, Iran

2- Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article history:

Article Type: Research paper

Received: 11 Oct 2026

Received in revised form: 7 May 2026

Accepted: 2026/10/09

Available online: 2026/10/13

*Correspondence:

amirian_farsani@gonabad.ac.ir

Keywords:

Environmental pollution,
civil liability,
criminal liability,
waste management,
environmental damage,
international instruments

ABSTRACT

This research aims to examine the dimensions of civil and criminal liability of individuals in waste induced pollution and to analyze the role of the legal system in confronting the harmful effects of unprincipled waste disposal. Given that the environment is the fundamental basis for human survival and development, the increase in waste production and its release in marine and terrestrial environments during the industrialization process of countries has led to widespread consequences such as ecosystem destruction, disease outbreaks, and threats to public health. Method: The research method is descriptive analytical, based on a library study, review of international instruments, domestic laws, and analysis of legal procedures related to waste management. In this method, concepts, regulations, and civil and criminal enforcement guarantees have been analyzed and categorized using reliable sources of environmental law. Findings: The research findings show that the legal system, both at national and international levels, has been able to take an effective step in controlling and reducing the effects of waste by anticipating civil and criminal mechanisms. Civil liability emphasizes compensation and restoration of the previous state of the environment, while criminal liability plays a deterrent role by imposing penalties such as imprisonment, fines, and closure of the polluting unit. Conclusion: The results of the study indicate the importance of the role of the media, regulatory institutions, and international cooperation in prevention, culture building, and efficient waste management. Together, these factors can provide the basis for preserving the environment for future generations.